

## نقدی بر کتاب جنبه های سیاسی زبان‌شناسی، نوشته‌ی نیومایر\*

فرزان سجودی

جنبه‌های سیاسی زبان‌شناسی را فردریک نیومایر در سال ۱۹۸۶ منتشر کرده است و نشر نی آن را با ترجمه‌ی اسماعیل فقیه در سال ۱۳۷۸ منتشر کرده است. همان طور که از عنوان کتاب بر می‌آید بناست که خوانندگان آن با جنبه‌های سیاسی زبان‌شناسی آشنا شوند. بدون تردید وقتی صحبت از جنبه‌های سیاسی هر چیزی، اعم از زبان‌شناسی، می‌شود انتظار داریم که موضوع مورد نظر در بستر روابط و جهت‌گیری‌های سیاسی، حمایت‌های جریان‌های مختلف سیاسی و پیامدهای ضمنی آن موضوع (مثلاً زبان‌شناسی) در حمایت از این یا آن طرف درگیر در مناقشه‌های اجتماعی و سیاسی بررسی شود. حال اجازه بدهید ببینیم نیومایر در این کتاب تا چه حد حق مطلب را ادا کرده است. کتاب در شش فصل تنظیم شده است. "بررسی زبان"، "پیدایش زبان شناسی مستقل"، "زبان‌شناسی ساختاری"، "انقلاب چامسکی"، "مخالفت با زبان‌شناسی مستقل"، "تاملاتی چند در باب جدل استقلال" عناوین فصل‌های کتاب هستند. در فصل اول با عنوان "بررسی زبان" ابتدا به اختصار به شرح اهمیت زبان در نوع انسان و تفاوت‌های آن با

---

\* برای ارجاع به این مقاله به روش زیر عمل کنید:

-سجودی، فرزان. "برداشتی نارسا از زبان‌شناسی"، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۸۳، شهریور ۱۳۸۳، صص

شکل‌های مختلف ارتباط در دیگر حیوانات می‌پردازد. سپس گرایش‌های متفاوت در بررسی زبان را در مجموع به سه گرایش عمده تقلیل می‌دهد که عبارتند از بررسی زبان با گرایش زبان‌ها و ادبیات کلاسیک، جامعه‌شناسی زبان و سرانجام آنچه از زبان‌شناسی مستقل نامیده است. به نظر می‌رسد این طبقه‌بندی همسوست با طرح کلی اهدافی که در این کتاب بناست دنبال شوند و همسوست با نتایج پیش‌بینی شده‌ی کتاب و دست‌کم در همان نگاه اول مشاهده می‌کنیم که رویکردهای ساختگرایانه [فرانسوی] و پس‌اساختگرایانه به زبان، رویکردی که زبان را در حکم نظامی نشانه‌ای و در تعامل با دیگر نظامات نشانه‌ای مطالعه می‌کند، و به طور اجتناب‌ناپذیر به نوعی زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی متن و گفتمان می‌انجامد (و هر اگرچه شاید گفته شود که در زیر مجموعه‌ی جامعه‌شناسی زبان قرار می‌گیرد، ولی در روش‌ها، شیوه‌ی نگاه به موضوع و اصطلاح‌شناسی و غیره حوزه‌ی متمایزی را به وجود می‌آورد)، رویکرد نقشگرایان از جمله هیلیدی، تحلیل انتقادی گفتمان و سرانجام شناخت‌گرایان را نادیده گرفته است، یا سرسری از کنار آنها رد شده است، زیرا به نظر نگارنده در آن صورت باید وارد مجادله‌ای آکادمیک می‌شد، که در آن دیگر نمی‌شد اینقدر ساده [لوحانه] پرتوهای این به اصطلاح "زبان‌شناسی مستقل" را تردید‌ناپذیر جلوه داد. یعنی به بیان دیگر، "حریف فرضی" را سنجیده آسیب‌پذیر انتخاب می‌کند تا در "پیروزی" قطعی خللی وارد نشود (واژگانی مانند حریف، پیروزی و غیره از قضا واژه‌های مورد علاقه‌ی نیومایر در فصل دو (انقلاب چامسکی) دیگر کتاب نیومایر (1980) تحت عنوان نظریه‌ی زبان‌شناسی در آمریکا: ربع قرن اول دستور زایشی گشتاری، هستند. نیومایر در فصلی که عنوان انقلاب چامسکی را بر پیشانی دارد، نمی‌تواند بر هیجان و وسوسه‌ی به کارگیری

واژه‌هایی چون **'campaigner', 'old guard', 'rebellion', 'revolution', 'win victories', 'struggle', 'tactic', 'defend', 'confront'** که همه

به طور متعارف برای بیان کشمکش‌های نظامی و سیاسی به کار می‌روند غلبه کند). بازگردیم به فصل اول کتاب مورد بررسی. گفتیم که نیومایر سه جریان را در زبان شناسی معرفی می‌کند و بی‌تردید هیجان زده‌ی دفاع از جریان به اصطلاح "زبان شناسی" مستقل است. نگارنده به عنوان زبان‌شناسی که علاقه‌مند به تردید در آنچه نه از طریق بحثی علمی، بلکه به واسطه‌ی فنون بلاغی و کلامی بدیهی تلقی شده است، از این منظر اشاراتی خواهم داشت به نوع نگاه نیومایر به دو جریان دیگر، با علم به اینکه این جریانات در هر حال آسیب‌پذیر ترند و به همین دلیل توسط نیومایر انتخاب شده‌اند. نیومایر می‌نویسد "بررسی زبان با گرایش زبان‌ها و ادبیات کلاسیک، بیش از دو هزار سال سابقه دارد" (ص 10) و سپس از یونانی‌ها، و امیدشان به اینکه پژوهش‌های زبانی به آنها در درک بهتر هومر کمک کند و یا پرسش‌های مهم فلسفی‌اشان را پاسخ گوید سخن می‌گوید. او زیرکانه، گروهی را که با دست آوردهای درخور توجه زبان‌شناسی متن، تحلیل گفتمان و نشانه‌شناسی، نه تنها به مطالعه‌ی ادبیات، بلکه به مطالعه‌ی متن به مفهوم عام آن (از جمله ژانرهای مختلف متون در رسانه‌ها، یعنی کارکرد زبان در ادبیات، خبر، تبلیغات، شبکه‌های جهانی، ...) پرداخته‌اند و بی‌تردید دستاوردهای قابل توجهی داشته‌اند، نادیده می‌گیرد و وقتی سخن از ادبیات به میان می‌آورد با ترفندهای کلامی، حال و هوای گذشته‌نگر، کهنه، و بی‌ارتباط با امروز را به ذهن مخاطبانش می‌آورد، و بی‌تردید نوعی حس بی‌زاری را در مخاطب نوگرا به وجود می‌آورد. در همان حال وقتی از زبان‌شناسی به اصطلاح "مستقل" سخن می‌گوید، می‌نویسد "در

بیست و پنج سال گذشته، در نتیجه‌ی درک رباطه‌ی بین ساختار زبان و ساختار ذهن، گستره و اعتبار زبان شناسی مستقل بیش از پیش افزایش یافته است" و تازه این گفته صورت تخفیف یافته‌ی جمله‌ای است در کتاب 1980 او (1980: 250) که گفته است، "در طول بیست و پنج سال گذشته بسیار بیش از کل 2500 سال گذشته درباره‌ی ماهیت زبان آموخته‌ایم". اینها گزاره‌هایی هستند که بدیهی تلقی شده اند و با القائات زبانی و ترفندهایی بلاغی خواننده در موقعیتی قرار داده شده است که امکان تردید در آنها را نداشته باشد، چون هر نوع تردید در آنها به طور ضمنی برابر تحجر و گذشته نگری دانسته شده است. در حقیقت این است جنبه‌های سیاسی زبان شناسی.

سخن گفتن درباره‌ی مفهوم استقلال و پیامدهای سیاسی آن، بحث را به درازا می‌کشد، همین قدر اشاره کنم که نه تنها در زبان‌شناسی، بلکه در هر حوزه‌ای، کاربرد کلمه‌ی استقلال و مستقل و مشابه آن، می‌خواهد نوعی بی‌طرفی، عدم تعصب و خردورزی ناب که در ورای این کشمکش‌های متعارف [سیاسی] قرار می‌گیرند را به ذهن آورد. رویکرد "زبان شناسی مستقل" نیز بیرون از این مقوله نیست. خردگرایی و نگاه خردگرایانه‌ی "علمی" که ناب است و از قوانین مستقل!! خود تبعیت می‌کند، و هیچ ارتباطی با هیچ ملاحظه‌ی بیرونی ندارد. آیا موضوع مطالعه‌ی زبان‌شناسی، یعنی زبان از مقوله‌ی موضوعات فیزیکی است، که بتوان آن را از همه‌ی عالم گفتمان انسانی، روابط طبقاتی، جنسیتی، نژادی، تحولات فناوری و رسانه‌ای، و دهها عامل بافتی دیگر جدا کرد و چون ابژه‌ای فیزیکی مطالعه کرد، و تازه چنین مطالعه‌ای چه دستاوردی می‌تواند در شناخت زبان و کارکردهای آن داشته باشد. ولی واقعیت امر این است که استقلالی وجود ندارد، و خود این دیدگاه تبعات سیاسی و اجتماعی دارد، زیرا کانون توجه

مطالعات و پژوهش‌های زبان شناسان را از عملکردهای سیاسی زبان، رابطه‌ی زبان و قدرت سیاسی، نقش زبان در اعمال تبعیض جنسی، نژادی و طبقاتی، نقش زبان در تثبیت و انتقال روایت‌های کلان، و همچنین در مقابله‌ی آگاهانه با این عملکردها، منحرف کرده، در خدمت باوری خنثی و به اصطلاح "علمی" (از نوع علوم تجربی) قرار می‌دهد و به وهم رسیدن به "حقیقتی ناب" و رای این کشمکش‌ها دامن می‌زند.

جایی می‌نویسد: "م.ا.ک. هالیدی، زبان شناسان مستقل را به 'نادیده گرفتن] بافت اجتماعی در بررسی زبان' متهم کرده است و جورج لی کاف نیز هم رای با این عقیده، زبان شناسان مستقل را متهم می‌سازد که . . ." (صص 16-17؛ تاکیده‌ها از من است).

توجه شما را به کاربرد عبارت "متهم کردن" جلب می‌کنم که هیچ سنخیتی با مباحثه‌ی نظری ندارد و انسان را یاد جو سازی‌های انتخاباتی می‌اندازد. و این در حالی است که همان چه اینان زبان شناسی مستقل را به آن "متهم می‌کنند"، با افتخار در همین کتاب جزو اصول انکارناپذیر زبان‌شناسی مستقل آمده است (نگاه کنید به ص 13، بند دوم، و البته جای جای کتاب)، پس ماجرای اتهام جز لفاظی و نوعی بلاغت سیاسی چه می‌تواند باشد. و جالب اینجاست که باز در ادامه‌ی همین شور لفاظانه در دفاع از "زبان‌شناسی مستقل" (گویی زبان‌شناسی مستقل یک حزب یا فرقه‌ی فراسیاسی است که پیروان آن با تمام وجود از آن و از قاندهش دفاع می‌کنند) می‌نویسد، 'مخالفان زبان شناسی مستقل، اغلب مخالفت خود را به صراحت در قالب عبارات سیاسی ابراز می‌دارند. بدین ترتیب، دل‌هایمز آمریکایی متخصص جامعه شناسی زبان، معتقد است که نظریه‌ی ساختارهای مستقل دستوری، یک نظریه‌ی "ایدئولوژیکی" است که تلویحا به معنای "وجود فردی تنها و مجرد است و نه فردی در جهانی اجتماعی مگر به طور تصادفی"' (ص 17).

مشاهده می‌شود که به جای بحث درباره‌ی دیدگاه دل‌هایمز و استدلال متقابل دل‌هایمز مردود شناخته می‌شود چرا که در مخالفت با زبانشناسی به اصطلاح مستقل، به صراحت در قالب عبارات سیاسی سخن می‌گویند. به نظر می‌رسد بسیاری به یاد شیوه‌های استدلال هواداران فرقه‌هایی می‌افتند که چشم بسته پیروی از اصول فرقه را تجویز می‌کنند و آن را عین حقیقت اجتناب ناپذیری می‌دانند که تو فقط باید چشم بصیرت برای دیدن آن داشته باشی، در غیر این صورت مغرضی و سیاست پرداز. این بدترین شیوه‌ی دفاع از یک نظریه‌ی مدعی علمی بودن و دانشگاهی بودن است. و سرانجام خود نیومایر، با وجود روشی که در پیشبرد بحث به کار می‌گیرد و شمه‌ای از آن را ملاحظه کردید، ناگهان به خود آمده می‌گوید 'در واقع کشمکش بر سر استقلال (!!)" زبان شناسی، بارها چنان پر شور و التهاب بود که بیشتر به یک کارزار سیاسی شبیه بوده است تا یک بحث دانشگاهی' (ص 19) و این حتما ناشی از عملکرد نابخردانه‌ی "مخالفان" بوده است، که مخالفت‌هایشان را در قالب سیاسی بیان می‌کنند. درست بعد از این گفته ما را به آرامش می‌رساند و می‌گوید "اما دلیل **موفقیت** زبانشناسی مستقل و مخالفت پرشور نسبت به آن چیست؟ زبان شناسی مستقل، **قطعا** توانسته است مجموعه‌ی راه‌حلهایی برای برخی از مسائل پیچیده‌ی زبانی ارائه نماید، لکن به ندرت می‌توان پذیرفت که همگان رویکردی 'درست' (بدون توجه به معنای دقیق این کلمه) را به ویژه در علوم انسانی، ضرورتاً بپذیرند" (ص 19؛ تاکیدها از من است). توجه شما را به واژه‌های **موفقیت، قطعا، و درست** جلب می‌کنم، که چون حقایقی تردید ناپذیر ذکر شده اند.

جالب اینجاست که نویسنده به حدی دچار شیفتگی است که نمی‌تواند انسجام مطالبی را که می‌گوید حفظ کند و بلافاصله پس از نقل قول فوق در باب موفقیت قطعی آنچه

درست است و نادانی دیگران (بخصوص در علوم انسانی) در پذیرش آن، می‌نویسد، "در واقع، موفقیت زبان شناسی مستقل، به میزان قابل ملاحظه ای منتج از این حقیقت بوده است که موسسات قدرتمند، حمایت از آن را مقرون به صرفه تشخیص داده اند، و موفقیت مخالفان زبان‌شناسی مستقل نیز به همان میزان با عوامل سیاسی خارجی مرتبط بوده است" (ص 19). پس اینکه زبان شناسی مستقل "رویکردی قطعا درست و موفق است" که البته ممکن است دیگران آن را نپذیرند، چه می‌شود، وقتی گفته می‌شود که این موفقیت ناشی از حمایت موسسات قدرتمند بوده است، که حمایت از آن را مقورن به صرفه تشخیص داده اند". واقعا موسسات قدرتمند که نیومایر به سادگی از کنارشان می‌گذرد و توضیح بیشتری (دست کم در این فصل) درباره‌اشان نمی‌دهند، چه موسساتی‌اند، و از آن مهم‌تر منشاء قدرتشان کجاست، یعنی به چه واسطه‌ای و در چه مناسباتی این قدرت را کسب کرده‌اند، و "مقرون به صرفه دانستن" حمایت یعنی چه؟ آیا معنایش این نیست که دستاوردهای این حوزه (زبان شناسی به اصطلاح "مستقل" به واسطه‌ی رویکردش به انسان، و زبان در جهت منافع آن موسسات و تثبیت قدرتش عمل می‌کند بی‌آنکه شاید حتی خود متوجه باشد. از این مسئله نمی‌توان به سادگی گذشت. بی‌آنکه قصد افشاگری داشته باشم، چون این مطالب را کسی (حتی خود چامسکی و نیومایر) پنهان نکرده اند (فقط زیرکانه از کنارش گذشته اند)، که کسی بخواهد افشایشان کند، اشاره‌ای می‌کنم به این بحث منابع مالی و تاثیر آن در شکل‌گیری نهاد تازه‌ای از قدرت دانشگاهی (و کار این قدرت دانشگاهی به جایی می‌کشد که زبان‌شناسانی که در حوزه‌ی پیروان این رویکرد قرار نمی‌گیرند به سختی

می‌توانستند شغلی دانشگاهی برای خود دست و پا کنند) در ام آی تی به نام زبان‌شناسی مستقل یا به بیان دیگر رویکرد دستور زایشی - گشتاری.

مهم‌ترین این "موسسات قدرتمند" وزارت دفاع ایالات متحده‌ی آمریکاست. نیومایر خود در این زمینه می‌نویسد با 'راه اندازی دوره‌ی دکتری زبان‌شناسی در سال 1960 ... زبان‌شناسی نیز در محدوده‌ی کار آر. ال. ای قرار گرفت که حائز شرایط دریافت کمک مالی از وزارت دفاع بود، و این وزارتخانه نه تنها هزینه‌های ثابت عمومی و کمک هزینه‌ی دانشجویی، بلکه بخشی از حقوق هیئت علمی را نیز پرداخت می‌نمود' (ص 81). سپس ادامه می‌دهد

کمک مالی وزارت دفاع برای پروژه‌های اولیه‌ی دستور زایشی کاملاً سودمند بود . . . دو فقره از بزرگترین اعتبارات مالی وزارت دفاع به تحقیقات زایشی در گروه‌های زبان‌شناسی دانشگاه‌ها تعلق گرفت... سرهنگ ادموند پی‌گینز در سال 1971 دلایل زیر را برای اعطای کمک مالی به پروژه‌های تحقیقات زبان‌شناختی ارائه نمود، "نیروی هوایی سرمایه‌گذاری عظیمی در سیستم‌های رایانه‌ای به نام "فرمان و کنترل" (بی تردید اشاره به شباهت بین این نام و پروژه‌ی **Government and Binding** چامسکی ارزش آکادمیک ندارد) این سیستم‌ها درباره‌ی وضع نیروهای ما اطلاعاتی دارند و در طراحی و اجرای عملیات نظامی مورد استفاده قرار می‌گیرند. . . و البته این سیستم‌ها در پشتیبانی از نیروهای ما در ویتنام مورد استفاده قرار می‌گیرند. . . ما از پروژه‌های زبان‌شناختی حمایت مالی نمودیم تا



یاد بگیریم که چگونه می‌توان اقدام به ساختن آن نوع سیستم‌های فرمان و کنترل نمود که مستقیماً قادر به فهم پرسش‌های ارائه شده به زبان انگلیسی باشد ... (چه تفکری دارند زایشیان که چنین توهمی را در وزارت دفاع ایالات متحده موجب شده است؟)" (ص 82؛ در سراسر نقل قول، نوشته‌های داخل پرانتز از من است).

همان‌طور که گفته شد هدف از آوردن این نقل قول طولانی و پیش کشیدن بحث مالی، افشاگری نیست، برعکس، اگر واقعاً بناست به جنبه‌های سیاسی زبان‌شناسی پردازیم، باید واقعاً بتوانیم به لحاظ نظری بینیم پایه‌های نظریه‌ی زایشی‌گشتاری (که در اثر نوعی خود شیفتگی دانشگاهی، برخی فقط آن را زبان‌شناسی نظری می‌دانند) چگونه است که موسساتی "قدرتمند" همچون ارتش ایالات متحده‌ی آمریکا، حمایت از آن را "مقرون به صرفه" (یعنی مطابق منافع خود) تشخیص می‌دهد. مورد نظر ما به هیچ وجه افشای یک توطئه‌ی نظامی گرایانه در زبان‌شناسی "مستقل" نیست که چنین شیوه‌ی همان قدر ساده [لوحانه] خواهد بود که شیوه‌ی نیومایر در دفاع از این دیدگاه ساده‌انگارانه است؛ هدف به چالش کشیدن انتقادی رویکردی و مبانی فکری و فلسفی و روش‌شناختی‌ای است که چنین تصویری را در ارتش آمریکا به وجود می‌آورد که زبان‌شناسی زایشی‌گشتاری در جهت اهداف آن ارتش می‌تواند دستاوردی داشته باشد. هر نوع نادیده گرفتن ساده‌انگارانه‌ی این واقعیت شانه خالی کردن از چالشی انتقادی است. برای مثال چامسکی خود در مصاحبه‌ای در پاسخ به این مسئله‌ی مالی و اینکه چرا در کتاب ساختارهای نحوی و بسیاری دیگر از آثار او از کمک‌های ادارات وزارت دفاع ایالات متحده تشکر شده است، می‌گوید،

از زمان جنگ دوم جهانی، وزارت دفاع مجرای اصلی حمایت از دانشگاه‌ها بوده است، زیرا کنگره و جامعه در کلیت آن مایل به اختصاص بودجه‌ی کافی از بودجه‌ی عمومی نبوده است. . . خوشبختانه کنگره نظارت خیلی دقیقی به بودجه‌ی وزارت دفاع ندارد، و وزارت دفاع که سازمانی گسترده و پیچیده است، نظارت دقیقی به پروژه‌هایی که تحت حمایت قرار می‌دهد ندارد (پس گفته‌های سرهنگ ادmond پی. گینز چه می‌شود) - دست راستش نمی‌داند دست چپش چه می‌کند (ولی با این وجود تشخیص می‌دهد که مثلاً از مطالعات ادبی یا جامعه‌شناسی زبان حمایت نکند، احتمالاً به دلیل سوابق انتقادی و چپ‌گرایانه‌ی این نوع مطالعات). تا سال 1969 بیش از نیمی از بودجه‌ی ام آی تی را وزارت دفاع تامین می‌کرد. . . من، اگرچه یک استاد تمام وقت هستم، فقط سی تا چهل درصد حقوقم را از ام آی تی می‌گیرم و مابقی را منابع دیگر از جمله وزارت دفاع تامین می‌کند، اما پول را از طریق ام آی تی دریافت می‌کنم (مهتا 1971: 193 نقل شده در کوثرنر، 1994؛ کلیه‌ی نوشته‌های درون پرانتز از من است).

چامسکی البته این "اتهام را رد می‌کند که محتوای اجتماعی نظریه‌ی او را می‌توان از خاستگاه‌های منابعی که به پژوهش‌های وی کمک مالی نموده‌اند استنباط نمود. چامسکی متقابلاً استدلال می‌کند که هر پژوهشی که در دانشگاهی در جامعه‌ی سرمایه

داری صورت می‌گیرد، بدون توجه به اینکه منبع بلافصل آن، کمک‌های مالی وزارت دفاع، وزارت آموزش و پرورش، شرکت زیراکس، بنیاد فورد و یا حتی دلارهای حاصله از دریافت مالیات عمومی باشد، در نهایت یک هدف مشترک خواهد داشت، و آن ارزش افزوده‌ی حاصل از کار است" (نیومایر: ص 84). نقل قول طولانی فوق و آنچه از نیومایر به نقل از چامسکی آورده شد، نشان می‌دهد که چامسکی و پیروانش به شدت مایلند از کنار این مسئله بگذرند، در حالی که هر نگاه انتقادی متعارفی که سرمایه داری و دستگاه نظامی و دانشگاهی و غیره آن را در حکم یک نظام بشناسد که در جهت حمایت از منافع طبقه‌ی خاصی عمل می‌کند، و دستگاه‌های تولید ایدئولوژی و طبیعی جلوه دادن باورهای ایدئولوژیک این نظام را نیز تاسیس می‌کند و مورد حمایت قرار می‌دهد، نمی‌پذیرد که این کمک‌ها یک امر تصادفی است و دست راست وزارت دفاع نمی‌داند دست چپش چه می‌کند. نیومایر در ادامه‌ی همین مطلب می‌نویسد، "هر فردی که چامسکی را به خاطر اشتغال در ام. آی. تی، یعنی یکی از بزرگترین طرف‌های قرارداد نیروهای مسلح، و همچنین به خاطر پذیرفتن اعتبارات مالی از وزارت دفاع محکوم کند، مجبور است کارل مارکس را هم به خاطر مطالعه در موزه‌ی بریتانیا (که زمانی مظهر فاسدترین حکومت امپریالیستی دنیا بود) و پذیرش هدایای مالی انگلس که خانواده‌ی وی ثروت خود را از صنعت پنبه به دست آورده بودند، محکوم کند" (ص 84). این دیگر نهایت ساده لوحی یا عدم آشنایی نیومایر با حوزه‌ای است که واردش شده است، یعنی جنبه‌های سیاسی. این قیاس کاملاً بی‌ربط است، شما نمی‌توانید مطالعه کردن در یک محل (موزه‌ی بریتانیا)، یا پذیرش هدایای یک فرد (انگلس) را با عملکرد یک سیستم پیچیده‌ی امپریالیستی و دستگاه نظامی آن که با

مطالعه و برنامه ریزی و در جهت اهداف کوتاه مدت و دراز مدت فرهنگ سازی و تقویت باورهای ایدئولوژیک عمل می کند، مقایسه کنید. این اصلا به این معنی نیست که بگوییم چامسکی و پیروانش بخشی از یک توطئه اند. نه این شیوه ای است که نیومایر از ما انتظار دارد، و چنان پاسخ ساده لوحانه ای نیز به آن می دهد. بحث بر سر این است که مشخصه های اصلی فکری چامسکی و پیروان او، یعنی خردگرایی، فردگرایی، آرمان گرایی، صورتگرایی، حوزه بندی بودن ذهن و غیره در جهت تقویت چه نوع نگرشی از انسان و چه نوع نگاهی به جهان عمل می کند که از قضا مورد توجه دستگاه پیچیده ای امپریالیستی و بخش نظامی آن قرار گرفته است و چرا این توهمات را در نظامیان به وجود آورده است. اگر دست به چنین نقد منصفانه ای زدیم به واقع جنبه های سیاسی زبانشناسی (گشتاری زایشی) را بررسی کرده ایم.

ربرت ای. هال در بررسی کتاب نیومایر (1980)، به ایدئولوژی و نقش آن در موفقیت دستور زایشی گشتاری می پردازد، که با اشاره ای به آن این مقاله را به پایان می برم. هال معتقد است که این به اصطلاح موفقیت بیشتر به ایدئولوژی مربوط می شود تا به تلاش صادقانه ای گروهی زبانشناس برای ارائه ی نظریه ای در باب زبان در سطح کفایت تبیینی. هال (1981: 185) با اشاره واژگانی که نیومایر انتخاب کرده است و ما نیز قبلا ذکر کردیم از آن به میان آوردیم، می گوید که کاربرد این واژگان (واژگانی چون "مبارز"، "محافظه کاران"، "شورش"، "انقلاب"، "مبارزه"، "تاکتیک"، "دفاع"، "رویارویی"، و "پیروزی") فراوانند و عبارات سیاسی-مذهبی (مانند کاریزما، نوآیین، سلطه (هژمونی)، و غیره) نیز نادر نیستند. و سپس نتیجه می گیرد که این فصل از کتاب

نیومایر (1980)، با شرحی که کرانستون (1974: 196) از ایدئولوژی داده است بسیار خوب انطباق دارد. کرانستون نوشته است،

یکی از ویژگی‌های ایدئولوژی این است که به عمل جنبه‌ی متعالی می‌بخشد و در توصیف آن از قیاس با عملیات نظامی بهره می‌گیرد. برخی معتقدند که کافی است نگاهی بیندازیم به سبک نثر بنیانگذاران برخی از ایدئولوژی‌ها، قطعا شکفت زده‌ی زبان نظامی گرایانه و جنگی که اینان به عادت استفاده می‌کنند خواهیم شد، از جمله کاربرد واژه‌هایی چون مبارزه، مقاومت، تظاهرات، پیروزی، غلبه، و مشابه آن؛ شیوه‌ی نگرش اینان سرشار است از اصطلاحات نظامی. در چنین دیدگاهی، پابندی به یک ایدئولوژی به شکلی از اسم نویسی برای خدمت در نظام (سربازی) تبدیل می‌شود، و پیرو یک ایدئولوژی شدن به معنای رزمنده یا پارتیزانی برای آن ایدئولوژی شدن تلقی می‌شود.

بی تردید فضای این مقاله اجازه نمی‌دهد که به تفصیل درباره‌ی پیامدهای سیاسی انتقال روش‌های علوم تجربی به زبان‌شناسی بدون هیچ رویکرد انتقادی، مطالعه‌ی صورتی زبان آرمانی شده، خردگرایی، فردگرایی، کم اهمیت جلوه دادن دیگر قلمروهای زبان‌شناسی، فرقه سازی و فرقه محوری، و غیره بحث کنیم. اما چون موضوع اصلی مطلب ما بررسی کتاب **جنبه‌های سیاسی زبان‌شناسی** نوشته‌ی نیومایر است، در پایان و به عنوان جمع بندی ذکر این نکته را لازم می‌دانم که همان طور که در طول مقاله نیز با نمونه‌های بسیار به تفصیل بحث شد، شیوه‌ی نیومایر در دفاع از دستور زایشی (یا

زبان‌شناسی به اصطلاح مستقل)، به دلیل آنکه روش شناسی روشن آکادمیک ندارد، تناقض آمیز است، در برخی موارد و بخصوص در نگاه سیاسی ساده انگارانه است، هیجان زده است و دچار خودشیفتگی و فرقه شیفتگی است، در نزد اندیشمندان آشنا به روش های نقد سیاسی بیشتر به ضد خود عمل می کند.

کتابنامه:

- 1- **Hall, Robert A. (1987). *Linguistics and Pseudo-linguistics*, John Benjamins Publishing Company**
- 2- Koerner, E.F. Konrad (1994), "The Anatomy of a Revolution in the Social Sciences: Chomsky in 1962" in Dhumbadji! Vol. 1, No. 4, Winter 1994, PP. 3-17
- 3- **Newmeyer Fredrick (1980). *Linguistic Theory in America: The first quarter of transformational generative grammar*. New York. Academic Press.**

۴- نیومایر، فردریک (۱۹۸۶)، جنبه‌های سیاسی زبان‌شناسی، اسماعیل فقیه (مترجم)، تهران، نشر نی (۱۳۷۸)